

شود گفت این مدت زیاد است مخصوصاً نسبت باین دولت که اول دولتی است بمعینه بنده که تعظیم بشعائر مشروطیت میکند و عملاً هم ثابت کرده ظن بردن ناروا است بلکه خطا است.

بنده با اینکه علاقه دارم بیکروز هم نباید تأخیر شود در اینجا موظف بودم برائت ذمه دولت را ابراز کنم که قید وصول دستور العمل برای تأخیر نیست بلکه برای سرعت امر انتخابات است.

(گفته شد صحیح است)

نصرت الدوله - اینطور نیست

نایب رئیس - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند وقت هم گذشته . آقای شیخ الاسلام . . .

(همه به بین نمایندگان)

نایب رئیس - معلوم میشود آقایان بمجلس اهمیت نمیدهند .

آقایان لازم میدانند در این موضوع مذاکره شود؟

(بعضی گفتند خیر)

شیخ الرئیس - روز ۳ شنبه اول جلسه خوب است مذاکره شود

نایب رئیس - پس همین موضوع را در اول جلسه روز ۳ شنبه مطرح میکنیم و آنوقت آقایانی که اجازه خواسته اند مذاکره بفرمایند .

گروسی - بنده در جزء دستور شدن این مسئله عرض دارم

قایب رئیس - بفرمائید

گروسی - بنده عرض میکنم این مسئله نیست که جزء دستور شود فقط اعتراضی شد و موجه هم بود و باید مجلس از دولت توضیح بخواهد این قید وصول دستور العمل برای چه بوده و چرا وزارت داخله عبارتی را که مخالف با قانون است در اعلان ذکر نموده .

این مسئله نیست که آنقدر بیا هو بکنید . هیچ کدام از آقایان هم مخالف با این تقاضا نیستند مقام استیضاح هم نیست فقط بایستی تذکره داده شود

نایب رئیس - در این موضوع خیلی اجازه خواسته اند قرار شد که اجازه ما محفوظ بماند برای روز ۳ شنبه

ارباب کیخسرو - به بنده اجازه بفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - بنده میدانم چه مذاکره میشود ! اینجا آقای ملک الشعرا اعتراضی کردند و در تحت توضیح خیلی روشنی معنی دستور العمل را از دولت سؤال کردند که در مقابل قانون این کلمه دستور موضوع نداشته است . جواب را باید از دولت بخواهند و مطرح شدن آن در این جا موضوع ندارد و معلوم نیست ما در چه مذاکره میکنیم

نایب رئیس - آقای مساوات (اجازه)

آقاسید محمد رضا مساوات - بنده هم با آقای ارباب موافقم و با تأخیر انتخابات مخالفم باید دید چه چیز موجب این تأخیر شده است و چرا یک هفته تشکیل انجمن نظار را بتأخیر انداخته اند . یکی هم اینکه چرا کلمه دستور العمل را نوشته اند این دو توضیح را باید از دولت خواست .

نایب رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - متأسفانه بنده قبل از این مذاکرات اخیر میخواستم سؤال کنم این موضوع مطرح هست یا نیست

نایب رئیس - مطرح نیست

تدین - پس چرا هفت هشت نفر قبل از بنده حرف زده اند . . .

نایب رئیس - عده برای رأی و مذاکره هیچیک کافی نیست اگر آقایان اجازه دهند در موضوع این عبارت از وزارت داخله استیضاح شود .

(گفتند صحیح است)

نایب رئیس - مجلس را ختم میکنیم بقیه مذاکرات و دستور میماند برای روز سه شنبه

(جلسه یکساعت بعد از ظهر)

بختامه رسید

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۲۵۵

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه ۲۰ حمل ۱۳۰۲

مطابق ۲۳ شعبان ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت و ربع کم قبل از غروب برباست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

صورت جلسه یوم یکشنبه ۱۸ حمل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت جلسه ایرادی نیست؟ آقای کازرونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - نظر بفاجعه اخیری که در تنگستان افتاده و در واقع یک جریحه بزرگی بر قلوب علاقه مندان وارد ساخته بنده لازم میدانم که در خصوص وضعیت آنجا و حالات مردم جنوب ایران یعنی اهالی دشتی و دشتستان که در حقیقت سرحداران بی مواج ایرانی اند کر بدهم و توجه آقایان نمایندگان را نسبت بآنها معطوف دارم که شاید با توجهات آقایان نمایندگان بقایای مابقی ماند و در اینجا لازم میدانم مختصری از حالات مردم دشتی و دشتستان بعرض برسانم

مردم دشتی و دشتستان و مخصوصاً سواحل جنوبی ایران مردمی هستند مذهبی دینی - شجاع - غیور و بمقتضای این ملکات زیر بار تجاوزات هیچ کس غیر از ایرانی نمیروند و حال و صفت آنها اینطور است و با این خصایص که دارا هستند مطیع و فرمان بردار و فداکار در راه وطن و این مسئله

برای آنها تازگی ندارد و چندین سال قبل یعنی کمتر از هفتاد سال پیش که بین ایران و انگلیس جنگ شد اینها یک عده بعنوان مجاهدت فدائی دادند و همچنین متناوباً هر اتفاقی که رخ داده بدون اینکه طالب اسم و رسم و جاه و مقابل باشند خودشان بر حسب دیانت و بر حسب دستور خداوندی و قرآن مجید در هر موقع قیام و اقدام نموده و از جان بازی مسابقه کرده اند و شاید همین مسئله سبب شده است که چنانچه عرض خواهم کرد متناوباً اینها از میان بروند و میترسم روزی برسد که دیگر کسی از آنها باقی نماند بعد از جنگ بین المللی یعنی بعد از خاتمه جنگ نظر باینکه از طرف دولت متبوعه آنها بآنها توصیه شد که مادر حالت صلح و صفا هستیم و هیچ مانعی از برای دوستی ما باقی نمانده است آنها نه تنها ترك مدارفات کردند بلکه يك حالت فروتنی هم بخودشان گرفتند چنانچه آقایان هم مسبوقند هیچکس نتوانست از طرف آنها شکایتی بکند یا نسبت حرکت بیجائی بآن ها بدهد .

لکن همین صفحعات و همین شیمه سبب شد که رؤسای آن ها متناد ما به دسایس و حیل و بعض دست های ناپاک بواسطه بعضی اشرار کشته شده و از میان رفتند و متأسفانه آن طوریکه حقشان بود باندازه که بایران و ملت حق داشتند از طهران و از طرف شمال ایران بآن ها قدردانی نشد چرا اینطور شد؟ برای این بود که خیلی دور بودند و کسی هم نبود که اسامی آنها را تذکر داده تا نسبت بآن ها قدردانی شود بعد از خاتمه جنگ بین المللی مرحوم شهید شیخ حسین خان چاه کوتاهی بر حسب مکتوبی که از طرف حکومت بوشهر باورسید و باو تأمین داده شد که بیاید در خانه خود بنشیند بدون اینکه قوه با خود داشته باشد بطرف منزل خود آمد و در بین راه کشته شده بودند (حالا کیها بودند قوای داخلی و خارجی در آن موضوع داخل نمی شویم) و آن بزرگوار را شهید کردند بملاوه یک فرزند ناگامش شیخ خزعل خان نام پایش تیر خورده و اسیر شد و بعد او را با گلوله کشتند در صورتیکه اسیر را در هیچ مذهب و ملت نباید کشت بجهت او راهم کشتند و داغ او را بر جگر مردم جنوب بلکه بر جگر تمام مردم ایران نهادند و چون این قضیه تعقیب نشد قضیه دیگر بپوش آمد .

در یازدهم شعبان نورمحمد خان و حسین خان در آلکی که از طرف ایالت وقت مأمور شده بودند برای تنظیم و تنبیق آن جا در خانه خود نشسته بودند بفتناً یلیس جنوب آن ها را احاله کرده آن ها تا آمدند بفهمند چه خبر است و از خانه بیرون آمدند که ببینند صدای تیروتوپ و تفنگ از کجاست بگرتبه هدف گلوله شدند یکمده کشته شدند و قریب پنجاه نفر هم دستگیر شده بعضی رازنده بگور کرده و بعضی را تیر باران کردند و

و بالاخره دالکیرا غارت نموده حتی بنوامیس آن ها هم دست درازی کردند .

در صورتیکه این مسئله بقدری در نظر اهالی دشتی و دشتستان عظیم است که اگر آن ها را قتل و غارت میکردند برای آن ها سهلتر بود و بنده چون نمیخواستم نظاره اتی کرده باشم که شاید دولت دچار محظوراتی شود نتوانستم این مسئله را کاملاً تعقیب کرده و بفهمم این مسئله بدستور کی بوده و گناه این اشخاص چه بوده است .

آیا حکومت آن جادر این امر دخالت داشت یا نداشت؟

بهر جهت این مسئله هم گذشت .

بعد از این قضیه قضیه دیگری پیش آمد که بکنفر در بنارتیه بدست بکنفر شروع کرد نمیدانم از کجا مأموریت داشت کشته شد بعد از کشته شدن او باز مسئله را تعقیب کرده و هر چه فریاد زد بجائی نرسید و ترتیب اثری بشکایات و عرایض من داده نشد باز هم بنده توصیه و تا کید میکردم که دولت يك اقدامی بکنند شاید باقی مردم آن نقاط زنده و باقی بماندن قشون که ببوشهر رفت مطمئن شدیم که انشاءالله امنیت در آن نقاط برقرار خواهد شد و مردم آن جاسالم خواهد ماند .

ولی فاجعه اخیر تنگستان ثابت کرد که گویا يك تصمیماتی هست که باید مردم آن جامتاد با از بین برداشته شوند .

فاجعه اخیری که اتفاق افتاد از این قرار است زائر خضر خان تنگستانی که از امرای بزرگ تنگستان است و در حقیقت يك نفر آدمی است که بحال خود و فرزندان خود و بمال خود از روی جوان مردی و به مقتضیات ایرانیت و اسلامیت در راه بقای حیثیات وطن اهمیت نداده و در مقابل هر سختی پافشاری نموده است و شاید همین مسئله گناه او بوده و ایجاب کرده است که او زنده نماند و چند نفر شروع کرد از چندین سال قبل مشغول شرارت بوده اند بعنوان ضیافت بحلقه او میروند باده ۱۵ نفر تفنگچی و دفعتمناً تفنگ کشیده این بزرگوار را که سام نام است شهید میکنند و بعد از قتل او اموال او را غارت میکنند این شخص بزرگوار هم که یکی از بهترین حفظه نفوذ ما بود از دست مارت و بنده اطمینان میدهم که بعد ها از این ذوات مقدسه نخواهیم داشت و با این ترتیب که پیش آمده است دیگر کسی نمیتواند در راه وطن ثبات قدم نماید مگر اینکه از طرف آقایان نمایندگان و دولت وقت بذل اهتمامی شو .

و بنده چنانچه شکایت کردم دستور داده شده بود که قاتلین را تعقیب کنند لکن گردان متوقف در بوشهر به همراهی یکی از فرزندان شهید سعید شیخ حسین خان چاه کوتاهی میروند اشرار را محاصره کرده آن قاتل شیریرا با چند نفر دیگری کشته و

بقیه فرار میکنند تلگراف اخیری که رسیده بهداز کر این فاجعه برای اینکه فی الجمله قلوب آقایان تشفی یابد قرائت میکنند:

ساحت مقدس دارلشورای کسری مقام منبع هیئت وزراعظام یکمده نظامی وارد تنگستان بهمدستی اخوی شیخ ناصر خان و جمعیت چاه کوتاه در حملات صبح و عصر قلعه تخماری و اهرم و نصف اموال شهید تصرف حسن غلامعلی و ۱۱ فرزند و کسان مقتول و مجروح بقیه فرار از بانگالی پناهانده (انگالی يك مجلی است از دشتستان که در همدان مردمان متردد از قبیل حیدر خان های پندرریگی هستند که صفات حیدر خان ها همیشه آقایان میدانند) صفحه تنگستان از وجود اشرار جانی اکنون بانظامی مشغول ترتیب و تنظیم و برقراری محمدعلیخان هشتم (محمدعلیخان پسر شهید برور زائر خضر خان است) عموم احرار جنوب از جلالت و مساعدت قشون محبوب در قاصص خون شهید سعید تشکر و امیدوار و موفقیتشان در قطع وریشه خائنین آرزو مندند .

(محمد شهید زاده)

این تلگراف را برای نشفی قلوب آقایان قرائت کردم .

لیکن نیاستی باین مسئله قناعت کرد که اهالی آنجا برونند و فدکاری کرده کشته شده و بکشند .

باید کاملاً تحقیق نمود که این ضربت ها از کجا بر ما وارد می شود و کی است که ما را بر علیه بکشد بگر تحریک میکند و کی است که با اسلحه و سیورسات میهدد

بهترین سرحدات ایران خلیج فارس است بنده اگر از هیئت دولت سؤال کنم که خلیج فارس چند جزیره دارد و حالشان چطور است؟

آیا جواب بنده را میتوانند بدهند؟

خیر نمیتوانند آیا بقدری که بیک ده خالصه توجه میشود بخلیج فارس توجه می شود؟ خیر .

بهر جهت از طرف همین هفته تلگرافی از بوشهر آمده است که هشتصد نفر سیاهی از طرف انگلیس ها وارد بوشهر شده اند حالا چرا در آن جا پیاده شده اند نمی دانم .

در صورتیکه مردم آن جا بکلی آرام اقتشاش بکلی مفقود امنیت برقرار با جواریا اینکه این بلیات بر مردم آن جا وارد شده است هنوز یک نفر يك کلمه برخلاف نرا کت نگفته و علت اینکه این هشتصد نفر پیاده شده اند نمیدانم .

تقاضا میکنم از طرف مجلس بدولت توصیه و تأکید شود که این قشون را حراکت دهند .

بعضی از نمایندگان بطور همهگرمه تأکید و توصیه مجلس لازم نیست این مسئله از وظائف خود دولت است .

حاج شیخ اسدالله کسی پیاده شد اند .

کازرونی مقصودم این بود که بدولت تذکر داده شود اقلاً اگر قشونی پیاده شده است بآن ها بگویند بخارج شوند .

ثانیاً رفاهیت مردم آن جا را فراهم کنند .

ثالثاً اشرار را تعقیب نموده بسزای خودشان برسانند اموال زائر خضر خان شهید را که غارت کرده اند نزد هر کسی هست گرفته ببازماند کاش مسترد دادند .

رئیس بنده با قسمت اخیر اظهارات آقای آقا میرزا علی موافق نیستم چون می بینم آقایان عادت کرده اند در غیاب دولت مذاکراتی نموده و بعد میگویند مفاد مذاکرات بهیئت دولت نوشته شود و این ترتیب حکومت پارلمانی نیست .

اگر راجع بهیئت دولت مذاکراتی دارید باید بهیئت دولت را بخواهید و در حضور آن ها صحبت نمایند و این ترتیب که در غیاب هیئت دولت مذاکره نموده شود حکومت پارلمانی نیست .

آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله در دستور عرضی ندارم .

رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء عرضیکه میخواستم بکنم مصادف میشود با فرمایش حضرت آقای رئیس در جلسه قبل در نتیجه اعلان انتخابات مذاکراتی شد و چون هیئت دولت حاضر نبودند وقت میکشد بنده از آقایان بپست و هفتم شعبان و جریان انتخابات ایالات و ولایات را پانزده روز بعد از رسیدن دستور العمل موکول کرده که بهیچوجه صورت قانونی ندارد اصلاح کنند و البته بنده هم تصدیق میکنم که این قبیل قضایا باید در حضور هیئت دولت مذاکره شود ولی ملاحظه بفرمائید که هیئت دولت در مجلس کمتر حاضر میشوند و در همین موضوع هم مذاکراتی میشود عوض اینکه حاضر شوند و توضیحاتی بدهند ابدأ حاضر نمیشوند چنانچه دیروز عرض کردم دیروز در مجلس مذاکراتی شد و چون مسئله قانونی و مربوط باصول مشروطیت بود از طرف آقایان نمایندگان هم باینده اظهار موافقت شد معذک هیئت دولت امروز هم حاضر نشدند که توضیحاتی بدهند و يك قسمت عرض بنده راجع به رفع اشتباهی بود که آقای مستشار السلطنه نمودند گویا

دیروز آقای مستشار السلطنه خواستند تعویق و تأخیر امر انتخاب را موکول کنند بهتجدید نظر در قانون انتخابات در صورتیکه بعقیده بنده تأخیر در امر انتخابات مربوط بهتجدید نظر در امر انتخابات نیست چون خود بنده هم عضو کمیسیون تجدید نظر هستم و غالب آقایان در این نظر باینده همراه بودند خواستم عرض کنم که تجدید نظر در قانون انتخابات مربوط باعلان انتخابات نیست زیرا آن قانون جدیدی که بامر مجلس مادر کمیسیون تهیه و تقدیم مجلس گردید از نقطه نظر عدم موافقت بعضی از آقایان نمایندگان و قضایای که در اطراف آن ایجاد شد و متأسفانه نخواستند قانون صحیحی تدوین شود چند روز قبل از حمل ازین رفت و دیگر تعقیب نشد فقط بعضی از مواد لازمه فوراً بر بعضی از آقایان بمجلس پیشنهاد کردند و يك جلسه خصوصی هم تشکیل شد و از طرف مقام محترم ریاست اظهار شد که سه ماه بآخر دوره تقنینیه مانده ملت ایران يك حقی پیدا میکنند از اجرای انتخابات مطابق قانونی که نسخ نشده است و چون این حق برای ملت باقی است بایستی مطابق قانون قدیم انتخابات خود را انجام دهند لهذا اصلاح مواد قانون جدید صلاحیت ندارد و این اظهار کاملاً صحیح بود و همین جهت هم از طرف پیشنهاد کنندگان بصورت ائقناع تلقی شده و دیگر تعقیب نشد و از آنوقت تا کنون فریب هیچجه یابست روز است و بدون این که در این مدت از طرف مجلس علاقه منندان اصلاح قانون انتخابات اظهار بشود دولت بدون جهت اعلان انتخابات را بتأخیر انداخت در آن باب هم ماحرفی نداریم فقط حرف ما راجع بتأخیر هفت روز انجمن نظار و پانزده روز بعد از وصول دستور العمل های لازمه است و امیدواریم آقایان هم باین موافقت فرمایند و همانطوری که عرض شد یادولت حاضر شده و در مجلس توضیحاتی در مقابل این اعتراضات قانونی بدهند تا اینکه قنای شوند و اعلان خودشان را اصلاح کنند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - يك کلمه از طرف آقای کازرونی اظهار شد خواستم آنرا توضیح کنم هیچ دولت بهیچوجه و عنوانی حق ندارد بدون اجازه ماقشون داخل خاک نمایند و از آنطرف هم خیلی متأسف هستم که بیک بیانات ناقصی اداشده زیرا خدمات و فداکاری و شهامت زائر خضر خان در راه وطن بقدری واضح و روشن است که غالباً در دهان ها بود حتی بعضی از جرایدهم نوشتند بنده بانهایت تأسفی که از فوت این شخص بزرگ دارم بمجلس شورای ملی که بگانه حافظ شجاعان ایران است تسلیت عرض میکنم .

رئیس - آقای پورضا (اجازه)

پوررضا - بنده بی نهایت متأسر و متأسفم از این واقعه که برای جنوب بلکه برای تمام ایران رخ داده و چون ناخوش هستم عرایضم را طولانی نمیکنم آقای کازرونی توضیحاتی کافی فرمودند و از آقای آقا سید یعقوب هم متشکرم که با اهالی جنوب اظهار مهربانی فرمودند و بنده یقین دارم که آقایان نمایندگان عموماً با ما هم در دستند اما راجع بقشون که آقای حاج شیخ اسدالله سؤال نمودند کی وارد شده است مطابق اطلاعاتی که بنده دارم و مطابق اطلاع رسمی موافقت بعضی از آقایان نمایندگان و قضایای که در اطراف آن ایجاد شد و متأسفانه نخواستند قانون صحیحی تدوین شود چند روز قبل از حمل ازین رفت و دیگر تعقیب نشد فقط بعضی از مواد لازمه فوراً بر بعضی از آقایان بمجلس پیشنهاد کردند و يك جلسه خصوصی هم تشکیل شد و از طرف مقام محترم ریاست اظهار شد که سه ماه بآخر دوره تقنینیه مانده ملت ایران يك حقی پیدا میکنند از اجرای انتخابات مطابق قانونی که نسخ نشده است و چون این حق برای ملت باقی است بایستی مطابق قانون قدیم انتخابات خود را انجام دهند لهذا اصلاح مواد قانون جدید صلاحیت ندارد و این اظهار کاملاً صحیح بود و همین جهت هم از طرف پیشنهاد کنندگان بصورت ائقناع تلقی شده و دیگر تعقیب نشد و از آنوقت تا کنون فریب هیچجه یابست روز است و بدون این که در این مدت از طرف مجلس علاقه منندان اصلاح قانون انتخابات اظهار بشود دولت بدون جهت اعلان انتخابات را بتأخیر انداخت در آن باب هم ماحرفی نداریم فقط حرف ما راجع بتأخیر هفت روز انجمن نظار و پانزده روز بعد از وصول دستور العمل های لازمه است و امیدواریم آقایان هم باین موافقت فرمایند و همانطوری که عرض شد یادولت حاضر شده و در مجلس توضیحاتی در مقابل این اعتراضات قانونی بدهند تا اینکه قنای شوند و اعلان خودشان را اصلاح کنند

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - در باب اظهارات آقای ملک الشعراء با بود امروز کفیل وزارت داخله حاضر شده و توضیحاتی بدهند که متجدد المالای خواهند داد که ولایات شروع بانخابات نمایند . ولی چون دیروز عصر بنا بوده است اعلیحضرت بمدرسه نظام تشریف ببرند آنجا گرفتار بودند باین جهت بنا بود هنگام تنفس تشریف آورده و توضیحات لازمه بدهد .

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده نظر به بیانات آقای ملک الشعراء کاملاً موافقم و معتقدم که اعلان انتخابات اگر يك دقیقه هم عقب بیفتد ملت ایران هم بکلی مخالفند ولی بنده بانظریه آقای ملک الشعراء مخالف نیومدم زیرا مخالفت با این نظریه ایشان مخالفت با قوانین جاریه است

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بنده می بینم در فرمایشات آقایان وقت مجلس تلف میشود و ترتیب

نواستن و زراعهم بمجلس آقایان ایرانی کتند و هیچوقت هم دولت بمجلس نمی آید آنوقت آقایان کتند میفرمایند . احضار کردن هیئت دولت بمجلس اینطور است که بکنفر نماینده باید بنویسد من فلان سؤال را دارم و بعد بهیئت رئیس و هیئت رئیس هم نفرستند برای دولت تاهیتت دولت حاضر شوند آقایان این ترتیب را اجرا نمیکنند آنوقت باعث گله آقایان میشود که چرا هیئت دولت بمجلس حاضر نمیشوند . بنده عقیده ام این است هر وقت آقایان با هیئت دولت کار دارند بنویسند بهیئت رئیس تا آنها را احضار کنند

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - عرضی ندارم

رئیس - قانون استخدام قضات مطرح است . ماده اول بکمیسیون ارجاع شده است ولی راپرت آن تا کنون نیامده است بنابراین ماده دوم مطرح است (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - دخول در خدمت قضائی باید بطرز مسابقه مطابق نظامنامه مخصوص بعمل آید .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده گمان میکنم نازمانی که راپرت ماده اول از کمیسیون برنگشته مانعی توانیم در سایر مواد مذاکره کنیم بواسطه اینکه سایر مواد فرع ماده اول است و اساس همان ماده اول است و در صورتیکه نمایندگانی ماده اول ازجه قرار است و چطور تصویب شده چه نوع میتوانیم در مواد بعهذا کره کنیم بنده عقیده دارم که این مذاکرات بماند وقتی که ماده اول از کمیسیون برگشت این مذاکرات را بکنیم .

مخبر - آقا شتاب کردند در ماده اول شرایط هر چه باشد در این ماده بطور مسابقه خواهد بود و هر شرایطی که در آن ماده باشد در این ماده فرقی نخواهد داشت یعنی هر کس با آن شرایط در اینجا بهتر است او را مقدم میدانند .

رئیس - آقای رکن الملک (اجازه)

رکن الملک - بنده تصور میکنم بعد از کلمه قضائی اگر يك کلمه (عرفی) نوشته باشد بهتر است چون در قانون امتحان هم که در کمیسیون عدلیه گذشت همیشه این را کرده بودیم .

معاون وزارت عدلیه - این قانون البته برای اشخاصی است که در مجاکم عرفی داخل میشوند و در واقع توضیح واضح است مع ذلك اشکالی ندارد که آن کلمه اضافه شود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی .

(اجازه)

شیخ الاسلام - بنده اجازت نخواستم .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - موافقم

رئیس - آقای آقا سید فاضل آقا سید فاضل - همین کلمه را را که پیشنهاد کردند میخواستم عرض کنم که قبول کردند .

یک نفر از نمایندگان - فوری بود باید برای گرفته شود .

رئیس - آقای معاون پیشنهاد آقای رکن الملک را قبول کردند

معاون عدلیه - بلی

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم باضافه لفظ (عرفی) بعد از کلمه قضائی

بعضی از نمایندگان - لازم نیست .

رئیس - آقایان که عقیده دارند لازم نیست باید پیشنهاد کنند - آقایانیکه ماده دوم را باین ترتیب تصویب می کنند قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود .

(با این ترتیب قرائت شد)

ماده سوم - مدتی که مستخدمین از ابتداء ورود بخدمت بعنوان عضو مبتدی کار میکنند جزو خدمت رسمی آنها محسوب نمیشود . و ابتداء خدمت رسمی قضاة و صاحب منصبان پار که از روزی است که رسماً داخل خدمت قضائی شده باشند و مدت خدمت بعنوان عضو مبتدی یکسال خواهد بود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اینجا در واقع قانون استخدام است و قانون استخدام را باید نظر بدیهیم بنویسیم در قانون استخدام کشوری از قراری که نظرم میآید این ماده با آن ماده قانون کشوری مخالف است در آنجا نوشتیم که باید حقوقشان را بدهند و جزو خدمت رسمی حساب میشود بنده خواستم بگویم موافق سؤال کنم که آقایان مخالف این دو ماده را ملاحظه کرده اند یا نه؟

مخبر - این ماده با آن ماده قشون کشوری موافق است و فرقی ندارد و آنجا هم خدمت مبتدی جزو خدمت محسوب نمیشود .

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - در ماده اول بعد از مذاکرات طولانی که شد تقریباً اینطور قرار شد که لفظ قضاوت و قاضی از این

لا بجه حذف شود حالا باز در هر ماده اسم قاضی و قضاوت است . بنده معتقدم همانطور که در ماده سابق آقای مخبر و سایرین قبول کردند الفاظ قاضی و قضاوت حذف شود اینجا هم حذف شود و همان اسمی که در کتابچه های سابق است تجدید بشود چنانچه در ماده اول هم قرار شد که آن لفظ حذف شود و همان لفظی که در کتابچه های سابق است نوشته شود .

مخبر - آلا در آن ماده رأی دادید .

رئیس - آقای رکن الملک (اجازه)

رکن الملک - اینجا نوشته است (از روزی که رسماً داخل خدمت قضائی شده باشد) چون این عبارت شامل صاحب منصبان پار که هم میشود .

عقیده من این است که فقط نوشته شود (داخل خدمت شده باشند) و لفظ قضائی اضافه است چون صاحب منصبان پار که از قضاوت نیستند .

مخبر - صحیح است (قضائی را حذف میکنیم)

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - در آن قانون استخدام در آن فصلی که راجع به حقوق تقاعدی بود نوشته شده بود آن یکسالی را که مجاناً خدمت میکنند جزو خدمت محسوب نیست و آن یکسال حقوق ندارد و چون شرکت در صندوق تعاونی نمیکند حق تقاعد ندارد ولی بنده این عقیده را ندارم بنده عرض میکنم اگر قاضی محروم باشد از حقوق در صورتی که حقوق بازنمی دهند دیگر چه علت دارد که جزو خدمت رسمی محسوب نشود در موقع ترفیع رتبه محسوب نشود و یکسال ابلاعوض خدمت کند این عیبی ندارد که این یکسال جزو سابقه خدمت حساب شود

مخبر - حقیقتاً این یکسال جزو امتحان عملی است که در آن یکسال بعمل مشغول است تا قابلیت پیدا کند که مستخدم شود باین جهت نه جزو خدمت محسوب است و نه حقوق میگیرد .

(جمعی گفتند مذاکرات کسانی است)

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳ با حذف کلمه - قضائی - آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند .

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم مطرح است .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - مفاد مواد ۱-۲-۳-۴ از فصل اول قانون استخدام کشوری مورخ ۲۲ برج قوس ۱۳۰۱ شامل قضات و صاحب منصبان پارک خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خواستم از آقای معاون سؤال کنم میشود عوض لفظ پار که لفظ دیگری نوشت؟ مثلاً اداره مدعی العموم

رئیس - رأی میگیریم بماده ۴ آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده پنجم مطرح است .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده پنجم - اعمال نظریات سیاسی در امور قضائی تبلیغات بر ضد مذهب رسمی مملکت و یا بر علیه حکومت ملی بکلی ممنوع است و بکلی موجب انفصال خواهد بود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - يك (و) خیال میکنم بعد از کلمه قضائی لازم دارد یعنی (قضائی و تبلیغات)

مخبر - بلی لازم است

رئیس - (و او) اضافه میشود - آقای شیخ الرئیس .

(اجازه)

شیخ الرئیس - عرضی ندارم

رئیس - آقای میرزا علی کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده گمان میکنم که تبلیغات بر ضد مذهب ممنوع است و اینجا مستلزم يك سوره تعبیری است اگر يك مستخدم بر ضد مذهب يك تبلیغاتی کرد البته فاقد شرایط استخدام میشود در صورتیکه فاقد شرایط استخدام شد بالطبع مفصل میشود . (گفته شد صحیح است)

کازرونی - اجازه بفرمائید در صورتیکه این را از شرایط اولیه استخدام قرار دادیم بعد میگوید اینجا ممنوع است بنده گمان میکنم نه تنها لازم نیست بلکه سوره تعبیری هم نخواهد داشت یعنی موهم این است که در جای دیگر ممنوع نیست و فقط در اینجا برای این مستخدم بخصوص جایز نیست این است که بنده زائد میدانم .

مخبر - اینجا با عت این است که موجب انفصال است اول که مستخدم شده اینطور نبوده حالا میگوید اگر چنین چیزی باشد منزلت میشود

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - تصویب شد - ماده شش مطرح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - مفاد مواد ۱-۲-۳-۴ از فصل اول قانون استخدام کشوری مورخ ۲۲ برج قوس ۱۳۰۱ شامل قضات و صاحب منصبان پارک خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خواستم از آقای معاون سؤال کنم میشود عوض لفظ پار که لفظ دیگری نوشت؟ مثلاً اداره مدعی العموم

بگذاریم غرض این است که يك لفظ مستعمله
 مملکت را بنویسیم
معاون عدلیه - در قانون تشکیلات
 عدلیه که چند سال قبل نوشته شده لفظ یار که نوشته
 شده بود و توضیح هم داده شده است و خیلی هم
 مستعمل است و در حقیقت هم جزء زمان
 است .
رئیس - دیگر مخالفی نیست؟
 (گفته شد خیر)
رئیس - آقایانی که ماده ۶ را تصویب
 میکنند قیام فرمایند
 (عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده هفت مطرح
 است .
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۷ - مراتب قضات و صاحبان
 یار که در معاکم عدلیه از قرار ذیل است
 مرتبه (۱) عضو علی البدل معاکم
 ابتدائی .
 امین صلح ناحیه درجه سوم
 مرتبه (۲) عضو در سه سوم ابتدائی
 معاون مدعی العموم بدایت درجه سوم
 امین صلح درجه دوم
 مرتبه (۳) عضو درجه دوم ابتدائی
 معاون مدعی العموم بدایت درجه دوم
 مستنطق درجه سوم - رئیس شبه ابتدائی
 درجه سوم
 مرتبه (۴) عضو درجه ابتدائی
 معاون مدعی العموم بدایت درجه اول
 مستنطق درجه دوم
 رئیس معاکم ابتدائی درجه سوم
 مدعی العموم ابتدائی درجه سوم
 رئیس شعبه ابتدائی درجه دوم
 رئیس معاکم تجارت
 امین صلح درجه اول با صلاحیت
 غیر معدود
 مرتبه (۵) مستنطق درجه اول
 رئیس معاکم ابتدائی و مدعی العموم
 بدایت درجه دوم
 عضو استیناف
 رئیس شبه ابتدائی درجه اول
 معاونین و کلاء عمومی استیناف
 مرتبه (۶) رئیس شعبه استیناف
 رئیس معاکم و مدعی العموم ابتدائی
 درجه اول و کبل عمومی استیناف
 مرتبه (۷) مستشار دیوان عالی تیز
 و کبل عمومی دیوان تیز
 رئیس کل و مدعی العموم کل استیناف
 مرتبه ۸ رئیس شعبه دیوان تیز
 مرتبه ۹ رئیس و مدعی العموم کل دیوان
 عالی تیز
معاون عدلیه - در این ماده غلط چاپ
 شده است باید اصلاح شود
 مرتبه اول نوشته (امین صلح ناحیه
 درجه سوم) باید نوشته شود (امین صلح
 درجه سوم) و در بین الهالین (صلحیه ناحیه)

در مرتبه دوم هم عوض (درجه سوم ابتدائی)
 نوشته شود (عضو ابتدائی درجه سوم) و در
 مرتبه سوم هم نوشته شود (عضو ابتدائی
 درجه دوم)
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - غرض همین
 بود که معاون اصلاح کردند
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - عضو علی البدل
 معاکم ابتدائی آن است که در معاکم
 آمده و مقام قضاوت پیدا میکند و با او شور
 میکند یعنی در وقتی دوسه نفر می نشینند و
 میخواهند رأی بدهند و يك نفر از اعضا
 معاکم نباشد او را می آورند و با او شور
 میکنند و رأی میدهند
 اینجا نوشته مرتبه اول عضو علی البدل
 معاکم ابتدائی و این عضو را با امین صلح
 یکی نوشته در صورتی که با هم فرق دارند
 و امین صلح در مرتبه عضو علی البدل نیست
 و عضو علی البدل در واقع مقام قضاوت
 در معاکم است چطور این دو مرتبه را در
 يك مرتبه قرار داده اند بطور فهرست نباید
 گفته شود باید توضیح داده شود تا مطلب
 روشن بشود
معاون عدلیه - اگر آقای آقا سید
 یعقوب درست دقت کنند امین صلح باید
 در جایش بالاتر از عضو علی البدل باشد
 زیرا امین صلح به تنهایی قضاوت میکند و
 حال آنکه عضو علی البدل را گاهی از او
 يك مرتبه و رتی خواهند کرد
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
 (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - عرض
 می کنم امین صلح و رئیس بدایت و مدعی
 العموم هر کدام يك درجه دارند و ال درجه
 اول و دوم و سوم یعنی چه اگر کبل عمومی
 است باید به لفظ و کبل عمومی نوشته
 شود والا فرق گذاشتن در درجات قضات
 معنی ندارد
معاون عدلیه - در قانون تشکیلات
 عدلیه يك ماده است که بموجب آن باید
 معاکم بدرجات مختلف تقسیم شود از حیث
 کثرت کار و غیره و مسلماً چون معاکم باید
 به تقسیمات مختلفه تقسیم شوند مدعی العموم
 ها هم که بایستی در معاکم باشند مجبور
 هستند که در تعقیب آن تقسیمات معاکم
 بدرجات تقسیم شوند .
رئیس - رای بماده ۷ میگیریم .
 آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۸ قرائت
 میشود .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۸ - تطبیق قضات معاکم با
 اعضای یار که با هیچوجه تأثیری در قبال
 تغییر بودن آنها نخواهد داشت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
آقا سید یعقوب - در يك ماده از
 مواد قانون اساسی است راجع بمعاکم
 عدلیه که معاکم تغییر پیدا نمیکند بدیخانه
 قانون اساسی هم همراه نیست در این جا
 در این ماده نوشته (تطبیق قضات معاکم
 با اعضای یار که با هیچوجه تأثیری در قبال
 تغییر بودن آنها نخواهد داشت) بنده چون
 مطالعه نکردم غرض از اینکه تطبیق اثری
 نخواهد داشت چه چیز است؟ و قانون معین
 میکند که قابل تغییر نیست مگر چه وقت قابل
 تغییر است بفرمائید؟
معاون عدلیه - در قانون اساسی
 مینویسد قضاة قابل تغییر نیستند و چون
 تا بحال درجات اعضای یار که را با درجات
 مطالعه نکرده اند حق دارند این اشتباه را
 بفرمایند که شاید آنها هم قابل تغییر نیستند
 و این ماده برای این نوشته شده است که
 مدعی العموم ها نتوانند از این تطبیق
 جهت بودجه را نتوانستند تهیه کنند خوب
 است آقای معاون وزارت عدلیه توضیح دهند
 که این ترتیب معنی برای حقوق با اعتباری
 که بوزارت عدلیه داده میشود مطابقت
 میکند یا خیر .
رئیس - آقای رکن الملک
 (اجازه)
رکن الملک - بنظر بنده هم این
 ماده زیادی بود بواسطه اینکه در قانون
 اساسی يك اصل نوشته قضات تغییر نمی
 کنند . در اینجا چه بنویسیم چه بنویسیم
 قضات عدلیه غیر قابل تغییرند
 فقط این ماده عنوانی بدست وزیر
 میدهد برای اینکه بتواند قضات را تغییر دهد
 پس نوشتنش لزومی ندارد .
رئیس - آقای نصرت الدوله
 (اجازه)
نصرت الدوله - اینکه آقای معاون
 عدلیه توضیح دادند کافی بود ولی
 بمناسبت تجدید اعتراض آقای رکن الملک
 خواستم ایشانرا تذکار بدهم که چون قضات
 بموجب يك اصل قانون اساسی لا یتغیر هستند
 ولی اعضای یار که نماینده دولتند و
 اختیارشان کامل باید با وزیر عدلیه باشد
 لهذا اگر ما درجات آنها را در يك ماده
 با قضات تطبیق کنیم ممکن است بآنها بهانه
 بدهیم که بگویند ما هم قابل تغییر نیستیم
 چون سابقاً چنین تطبیقی نکرده ایم و حالا
 که تطبیق می کنیم باید توضیح بدهیم که
 از این تطبیق تفاوتی در حال اولیه آنها
 پیدا نمیشود .
رئیس - رای میگیریم بماده هشت .
 آقایانی که تصویب مینمایند قیام فرمایند
 (غالب و کلاء قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۹ قرائت
 میشود .
 ماده ۹ - میزان حداقل مقرری
 رتبه اول قضاوت قانون بودجه در هر سال
 معین میشود و میزان حداقل رتبه های مافوق
 بنسب ذیل است:
 ۱ - بموجب قانون بودجه
 ۲ - مقرری مادون بملا و ثلث اصل
 ۳ - ربع اصل
 ۴ - دو خمس اصل
 ۵ - نصف اصل
 ۶ - سه خمس اصل
 ۷ - چهار خمس اصل
 ۸ - تمام مقرری اصل
 ۹ - يك برابر نیم اصل
رئیس - آقای اقبال السلطان
 (اجازه)
اقبال السلطان - نمایانم وزارت
 عدلیه این میزانی را که برای اجزای معین
 کرده با بودجه اعتباری وزارتخانه تطبیق
 کرده یانه .
 قانون استخدام کشوری که تصویب
 شده است امروز می بینیم وزارتخانه ها را
 بمشکلات انداخته و نمیتوانند بودجه های
 خودشانرا با آن ترتیب معین کنند و همین
 جهت بودجه ها را نتوانستند تهیه کنند خوب
 است آقای معاون وزارت عدلیه توضیح دهند
 که این ترتیب معنی برای حقوق با اعتباری
 که بوزارت عدلیه داده میشود مطابقت
 میکند یا خیر .

در موقمی که قانون استخدام گذشت
 این مسئله عنوان شد ولی متأسفانه در مجلس
 طرف توجه قرار ندادند و حالا هم دیده
 میشود که نمیشود اشل حقوقات را برای
 تمام مملکت یکدرجه فرض کرد و اگر يك
 نظر واحد فرض کنند حقوقات خیلی زیاد
 میشود و طوری میزان اشل بالا می رود که
 بکلی غیر عملی میشود و چنانکه عرض کردم
 این اشکالات در اغلب ادارات تولید شده
 است اینستکه بنده تصور میکنم در این
 موقع باید این مسئله را رعایت کرد تا این
 قانون قابل اجرا باشد و با اشکالات مصادف
 نشود .
مخبر - اگر توجه بفرمائید بنده
 توضیح میدهم؛ اما مراعات نقاط محلی شده است
 و در درجه بندی صلحیه سوم و دوم و اول هم را
 ملاحظه کرده ایم . دیگر ملاحظه علیحده
 نخواهد شد . مادر قانون بودجه مقرری
 درجه اول را معین کردیم حالا بعد از آن
 میفرمائید درجات بالاتر اضافه نداشته باشد
 یا اینکه این اضافه اش هم زیاد است هر
 قدر اضافه داشته باشد از این اضافه ها
 زیادتیر نیست. مستخدم همین که سه سال
 در درجه اول خدمت کرد بدرجه دوم می رود
 ناچار باید اضافه داد همچنین درجه دوم و
 سوم تا آخر درجات و آنچه که ملاحظه
 شده دیگر کمتر از این نمیشود قرار داد
 همچنین درجه اول را قدری سخت تر قرار
 دادیم یعنی بحال حاضر و درجه آخرین را
 هم يك برابر و نیم و اینها را ناچار در هر
 درجه يك اضافات قرار داد و کمتر از این
 هم ممکن نبود .
رئیس - آقای سدید الملک
 (اجازه)
 سدید الملک - بنده موافقم (گفته شد
 مذاکرات کافی است)
رئیس - رای میگیریم بماده نهم
 آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان برخاستند)
رئیس - تصویب شد . (ماده دهم
 قرائت شد)
 ماده ۱۰ - کلیه قضات و صاحبان
 یار که بتصویب وزیر عدلیه و بموجب فرمان
 های یونی منصوب میشوند .
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب - بنده خواستم از
 آقای معاون عدلیه و آقای مخبر سؤال
 کنم که مصداق اصل هشتاد و سوم قانون
 اساسی در قانون استخدام قضات کجاست
 هر چه بنده فریاد زدم که مدعی العموم در
 واقع بلسان علماء ناظر باعمال و امور و امثال
 مردم است و چنین کسی لازم است همچنانکه
 در اصل پیشنهاد سوم قانون اساسی نوشته
 (تعیین شخص مدعی عمومی با تصویب حاکم
 شرع در عهده پادشاه است) بتعیین مجتهد
 جامع الشرائط باشد .

مسئلاً هم مجتهد جامع الشرائط کسی
 را در نظر خواهد گرفت که دارای مقامات
 عالیه دیانت و امانت باشد و این معنی را
 قانون اساسی معین کرده که از حقوق
 مختصه خود پادشاه و مجتهد جامع الشرائط
 است ولی درین قانون هر چه نگاه میکنم می
 بینم که جز بشخص وزیر دیگری را حق
 نداده است پس توضیح بدهند که مصداق
 این اصل قانون اساسی کجاست .
 این قانون استخدام دارای چند مرتبه
 است دیوان استیناف و تیز و مدعی العمومی
 قواعد اینها را باید زرنگی فوق العاده
 که اعضاء کمیسیون استخدام داشته اند ذکر
 کرده اند اما دیگر توجه فرموده اند يك
 یکنفر هم پیدا میشود که اصل هشتاد و سوم
 قانون اساسی را ملاحظه کنند و بپرسند
 مصداقش کجاست و در کدام ماده از مواد
 است زیرا ؛
 قوانین عادی نمیتواند با قانون اساسی
 مقاومت کند .
 معاون وزارت عدلیه - آقای آقا سید
 یعقوب خودشان جواب خود را دادند و فرمودند
 قوانین عادی میتواند با قانون اساسی مطابقت
 کند یعنی مقاومت نماید .
 بعضی از آقایان میگویند درین ماده
 اضافه شود (با مراعات قانون اساسی) بنده
 اشکالی ندارم در اینکه این عبارت افزوده
 شود ولی خجالت دارم که در يك قانون عادی
 نوشته شود با مراعات قانون اساسی زیرا
 مقام قانون اساسی اعلی از این است که
 قوانین عادی را تقویت نماید تکیه گاه و
 حجت قانون های عادی قانون اساسی است
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)
 حاج شیخ اسدالله نسبت بمدعی العموم
 در اصل هشتاد و سوم قانون اساسی نوشته
 تعیین شخص مدعی العموم با تصویب حاکم
 شرع در عهده پادشاه است باینجهت بنده
 پیشنهاد کردم همان عبارت قانون اساسی
 نوشته و تصویب شود و هیچ جای انکار نیست
 این عبارتی که در اینجا نوشته شده هر کس
 ملاحظه میکند میفهمد مخالف با آن عبارت قانون
 اساسی است زیرا در اینجا مینویسد تعیین
 مدعی العموم به پیشنهاد وزیر و فرمان های یونی
 است ولی در اصل هشتاد و سوم قانون اساسی
 تعیین شخص مدعی العموم را با تصویب حاکم
 شرع در عهده پادشاه گذارده و هر کس
 این دو عبارت را ملاحظه کند می بیند با
 یکدیگر مخالف است و نمیشود گفت مقصود
 از عبارت این ماده همان اصل قانون اساسی
 است حالا از برای آنکه مخالف بینی با قانون
 اساسی نداشته باشد و معلوم شود که نظر
 مقنن اجرای قانون اساسی است خوبست عین
 عبارت آن اصل نوشته شود تا رفع سوء
 تفاهم گردد .
 معاون وزارت عدلیه - بنده عرض کردم
 مخالفتی ندارم که عین عبارت قانون اساسی
 نوشته شود ولی بین این ماده دهم و عبارت
 جامع الشرائط باشد .

قانون اساسی هیچ نوع مخالفتی نیست برای
 اینکه مصوب شدن مدعی العموم از طرف
 حاکم شرع یکی از شرایط امکان پیشنهاد
 وزیر عدلیه است و همانطور که وزیر عدلیه
 نمیتواند که سنش اقتضای خدمت ندارد
 پیشنهاد کند البته کسی هم که مطابق تصویب
 حاکم شرع نباشد نمیتواند پیشنهاد کند
 مخبر - بنده تقاضا میکنم نوشته شود
 کلیه قضات و صاحبان یار که با رعایت
 قانون اساسی بتصویب وزیر عدلیه و بموجب
 فرمان های یونی منصوب میشوند
رئیس - چند دقیقه تنفس میشود
 (در این موقع جلسه برای تنفس
 تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل
 گردید)
رئیس - آقای سدید الملک
 (اجازه)
 سدید الملک - اینکه آقای آقا سید
 یعقوب فرمودند باید رعایت اصل هشتاد و
 سوم قانون اساسی بشود بنده عرض میکنم
 قانون اساسی همیشه بقوت خود باقی است
 تمام وزراء مجبورند آنرا بموقع اجراء
 گذارند اگر بنا باشد که در اینجا ذکر
 از قانون اساسی مینمایم آنوقت باید در هر
 جا اسمی از عدلیه برده میشود اصل هفتاد و
 یکم قانون اساسی را هم که مینویسد دیوان
 عدالت عظمی و معاکم عدلیه مرجع رسمی
 تظلمات عمومی است بنویسند در صورتیکه
 هیچ لازم نیست و قانون اساسی بقوه خود
 کماکان باقی است . اما اینکه بعضی از
 آقایان فرمودند در این ماده اضافه شود
 با رعایت قانون اساسی بنده عرض میکنم
 این عبارت را نمیتوان در این ماده نوشت
 برای اینکه اصل هشتاد و سوم راجع بروسای
 یار که و مدعی العموم هاست و مربوط بقضات
 نیست و اگر بخواهند آن عبارت اضافه شود
 باید این ماده تبدیل شود به دو ماده: در
 ماده اول نوشته شود کلیه قضات بنظر وزیر
 و فرمان اعلیحضرت معین میشود و بعد در
 ماده دوم نوشته شود که صاحبان یار که
 و مدعی العموم ها بتصویب حاکم شرع و
 فرمان های یونی منصوب میشوند .
 مخبر - بنده تقاضا کرده ام در این
 ماده قید شود کلیه قضات و صاحبان یار
 یار که با مراعات قانون اساسی بتصویب
 وزیر عدلیه و بموجب فرمان های یونی منصوب
 میشوند .
رئیس - آقای مستشار السلطنه پیشنهادی
 کرده اند قرائت میشود (شرح ذیل قرائت
 شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم علاوه
 شود، با رعایت قوانین (مستشار السلطنه)
رئیس - (خطاب بمستشار السلطنه)
 آنچه آقای مخبر پیشنهاد کردند بیشتر
 تصریح داشت آقایان دیگر هم اگر پیشنهادی
 دارند بدهند تا قرائت شود . (پیشنهاد محمد
 هاشم میرزا بمضمون آتی خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود: به علاوه

شرایطی که در قانون اساسی مقرر است
رئیس - آقای مستشار السلطنه
 (اجازه)
مستشار السلطنه - بنده پیشنهاد
 کردم در این ماده علاوه شود با رعایت قوانین
 برای اینکه نظر آقای آقا سید یعقوب و
 وهمنظران ایشان تأمین شود و تصور میکنم
 در هر قانونی که وضع میشود اگر بقانون
 اساسی اشاره بشود بقوت آن نخواهد
 افزود .
 قانون اساسی همان قوتی که داشته
 است دارد باینجهت بنده پیشنهاد کردم با
 رعایت قوانین تا نظریه آقایان هم تأمین
 شود .
رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید
مخبر - بنده قبول میکنم ولی
 چیزی را که خودم پیشنهاد کردم گویا
 بهتر است
رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد
 آقای مستشار السلطنه آقایانی که پیشنهاد
 ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
 (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد . آقای
 شیخ الرئیس .
 (اجازه)
شیخ الرئیس - بنده فقط با رعایت
 قوانین و امثال اینها را مجمل میدانم و این
 ایرادی که آقایان کردند اگر بنا باشد با
 رعایت قوانین نوشته شود قانون اساسی
 داخل قوانین عادی میشود اینهم حرفی است
 حسابی لذا عقیده بنده اینستکه نوشته شود
 با شرایطی که در قانون اساسی مقرر است.
 اگر آقایان قبول میکنند فیها المراد والا
 پس میگیریم
رئیس - رای میگیریم بقابل توجه
 بودن پیشنهاد آقای شیخ الرئیس . . .
شیخ الرئیس - بنده پس گرفتم
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد
 شما مفقود شده است
حاج شیخ اسدالله - بعد از آنکه
 آقای مخبر قبول کردند و این ماده باصل
 هشتاد و سوم قانون اساسی تصریح شود
 بنده هم بهمان اصلاح قناعت کرده پیشنهاد
 خود را مسترد میدارم
رئیس - پیشنهاد آقای دست غیب
 قرائت میشود
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم: قبل از تصویب
 وزیر و فرمان اعلیحضرت نوشته شود بتصویب
 مجتهد جامع الشرائط مطابق قانون اساسی
 دست غیب
رئیس - آقای دست غیب
 (اجازه)
حاج سید محمد باقر دست غیب -
 بعد از آنکه آقای مخبر قبول کردند که
 عبارت با رعایت اصل ۸۳ قانون اساسی
 در این ماده اضافه شود بنده دیگر عرضی

بگذاریم غرض این است که يك لفظ مستعمله
 مملکت را بنویسیم
معاون عدلیه - در قانون تشکیلات
 عدلیه که چند سال قبل نوشته شده لفظ یار که نوشته
 شده بود و توضیح هم داده شده است و خیلی هم
 مستعمل است و در حقیقت هم جزء زمان
 است .
رئیس - دیگر مخالفی نیست؟
 (گفته شد خیر)
رئیس - آقایانی که ماده ۶ را تصویب
 میکنند قیام فرمایند
 (عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده هفت مطرح
 است .
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۷ - مراتب قضات و صاحبان
 یار که در معاکم عدلیه از قرار ذیل است
 مرتبه (۱) عضو علی البدل معاکم
 ابتدائی .
 امین صلح ناحیه درجه سوم
 مرتبه (۲) عضو در سه سوم ابتدائی
 معاون مدعی العموم بدایت درجه سوم
 امین صلح درجه دوم
 مرتبه (۳) عضو درجه دوم ابتدائی
 معاون مدعی العموم بدایت درجه دوم
 مستنطق درجه سوم - رئیس شبه ابتدائی
 درجه سوم
 مرتبه (۴) عضو درجه ابتدائی
 معاون مدعی العموم بدایت درجه اول
 مستنطق درجه دوم
 رئیس معاکم ابتدائی درجه سوم
 مدعی العموم ابتدائی درجه سوم
 رئیس شعبه ابتدائی درجه دوم
 رئیس معاکم تجارت
 امین صلح درجه اول با صلاحیت
 غیر معدود
 مرتبه (۵) مستنطق درجه اول
 رئیس معاکم ابتدائی و مدعی العموم
 بدایت درجه دوم
 عضو استیناف
 رئیس شبه ابتدائی درجه اول
 معاونین و کلاء عمومی استیناف
 مرتبه (۶) رئیس شعبه استیناف
 رئیس معاکم و مدعی العموم ابتدائی
 درجه اول و کبل عمومی استیناف
 مرتبه (۷) مستشار دیوان عالی تیز
 و کبل عمومی دیوان تیز
 رئیس کل و مدعی العموم کل استیناف
 مرتبه ۸ رئیس شعبه دیوان تیز
 مرتبه ۹ رئیس و مدعی العموم کل دیوان
 عالی تیز
معاون عدلیه - در این ماده غلط چاپ
 شده است باید اصلاح شود
 مرتبه اول نوشته (امین صلح ناحیه
 درجه سوم) باید نوشته شود (امین صلح
 درجه سوم) و در بین الهالین (صلحیه ناحیه)

ندارم و پیشنهاد خود را مسترد میدارم
رئیس - ماده دهم مجدداً با اضافه
 مراعات اصلاً ۸۳ قانون اساسی قرائت
 میشود .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده دهم - کلیه قضات و صاحبان
 یار که با مراعات اصل هفتاد و سوم قانون
 بتصویب وزیر عدلیه و بموجب فرمان های بونی
 منصوب میشوند
رئیس - رای میگیریم بماده دهم
 بترتیبی که اصلاح و قرائت شد: آقایانی که
 تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 (ماده یازدهم بشرح آتی
 قرائت گردید)
 ماده یازدهم - هیچیک از قضات و
 صاحبان یار که نمیتوانند قبل از اینکه
 اسم آنها در دفتر ترفیع رتبه ثبت شده
 باشد از مرتبه مادونی برتبه فوق ارتقاء
 یابند قضات و صاحبان یاری که از عهده انجام
 وظائف کاملاً برآمده مقررات نظامنامه های
 اداری را رعایت کرده نائل بترتیب رتبه
 خواهند شد مشروط بر اینکه از هیچیک از
 مراتب مندرجه در ماده فوق لااقل سه سال
 خدمت کرده باشند و در هر صورت رعایت
 احتیاج وزارتخانه طرز خدمت - استعداد
 قضات و صاحبان یار که و خدمت خدمت
 شرط حتی است در موقع از یک رتبه به
 رتبه بالاتر اشخاصی که با تساوی شرایط
 از حیث رتبه علمی بالاتر هستند بدیگران حق
 تقدم خواهند داشت
رئیس - آقای نصرت الدوله
 (اجازه)
نصرت الدوله - بنده موافقم و بعد
 از یک مخالف عرض خواهم کرد
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده سؤالی از
 آقای مخبر یا معاون دارم در ماده یازدهم
 مینویسند هیچیک از قضات و صاحبان
 نمیتوانند قبل از اینکه اسم آنها در دفتر
 ترفیع رتبه ثبت شده باشد از مرتبه مادون
 برتبه مافوق ارتقاء رتبه یابند
 بنده نمیدانم ذکر این دو نظر برای
 چیست . معلوم است انسان از نقص بکمال
 و از یائس بیلا میروند دیگر محتاج نیست
 این عبارت ذکر شود مگر اینکه علتی داشته
 باشد .
مخبر - در مقام ترفیع ناچار باید
 کسانی که میخواهند ترفیع پیدا کنند قبلاً
 اسم خود را در دفتری ثبت کنند. اگر در
 آخر سال یکمرتبه بیاید بگوید بمن ترفیع
 رتبه بدهید حرف او را قبول نمیکند.
 کسانی که ترفیع رتبه میخواهند قبل از
 اختتام سال تقاضا کردند تا کر میدهند که
 موقع ترفیع رتبه آنها رسیده تا در دوسیه

آنها ملاحظه شده ببینند چقدر خدمت
 کرده اند و آیا حسن تقاضای ترفیع دارند
 یا خیر باینجهت این عبارت نوشته شده
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم
رئیس - آقای اقبال السلطان
 (اجازه)
اقبال السلطان - بنده در قانون
 استخدام کشوری این اعتراض را کردم و
 بر اعتراض خودم باقیم. تعیین مدت برای
 ارتقاء در هیچ جا محدود نیست . هر کس
 در خدمت خود خدمانی کرد و لایق حائز
 شدن رتبه مافوق شد و آن رتبه هم خالی
 بود حائز آن مقام خواهد شد ولو دوسه سال
 هم خدمت نکرده باشد والا اگر کفایت و
 لیاقت نداشته باشد با این تعیین مدت بعد
 از دو سه سال تقاضای ارتقاء رتبه خواهند
 کرد و اسباب زحمت وزارتخانه خواهند بود.
 بنابراین بنده عقیده دارم که از برای ارتقاء
 نباید مدت معین کرده بشود که شخصی قابل
 احراز مقامی شد و آن مقام هم خالی بود باید
 باو داده شود.
مخبر - آقای اقبال السلطان اشتباه
 کرده اند کسیکه لایق است باید سه سال
 خدمت کند تا مقام بالاتر را استقبالی نماید
 و کسیکه لیاقت ندارد نمیتواند ارتقاء رتبه
 پیدا کند والا یکسال که داده شود بعد از
 شش ماه باید بالاتر برود آنوقت هر سه ماه
 به سه ماه یا شش ماه بشش ماه تقاضا میکند
 که بمن ارتقاء رتبه بدهید و این هم خیلی
 بد است
 (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - رای میگیریم به ماده
 یازدهم آقایانی که تصویب میکنند قیام
 فرمایند .
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده دوازدهم
 (بشرح زیر خوانده شد)
 ماده دوازدهم - قضات و صاحبان یاری
 که به تقاضای خود منتظر خدمت محسوب نشده
 و حق هیچگونه مقرری را نخواهند داشت
 و هم چنین مدت خدمت این قبیل منتظرین
 خدمت جزو سنوات خدمت آنها محسوب
 نخواهد شد .
مخبر - در این جا یک اشباهی شده
 باید در این ماده لفظ آشکار بعد از کلمه
 مدت اضافه شود .
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
حاج شیخ اسدالله - ایراد بنده هم
 همین بود که اصلاح شد
رئیس - رای میگیریم بماده دوازدهم
 (آقایانی که تصویب می کنند
 قیام فرمایند)
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده سیزدهم
 (باین نهج قرائت شد)

ماده سیزدهم اشخاص که رتبه علمی
 آنها عالیتر از رتبه باشد که مطابق ماده
 اول برای ورود بخدمت قضائی معین گشته
 است در هر یک از مراتب اول و دوم مذکور
 در ماده ۸ یک سال و هر یک از مراتب
 سوم و چهارم دوسال و از مرتبه پنجم به
 بالا مطابق ماده ۸ باید دوره خدمت را
 طی نمایند .
رئیس - مخالفی ندارد ؟
 (گفتند خیر)
رئیس - آقایانی که ماده سیزدهم
 را تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم
 (بترتیب ذیل تقریر شد)
 ماده ۱۴ دفتر ترفیع رتبه در ماه آخر
 هر سال برای سال بعد بترتیب داده شود
رئیس - بعد از لفظ رتبه کلمه (باید)
 اضافه می شود
مخبر - اگر قبل از شود لفظ (می)
 اضافه شود معنی عبارت درست میشود .
رئیس - آقای معتمد السلطنه
 (اجازه)
معتمد السلطنه - عرض بنده راجع
 به لفظ باید بود که اصلاح شد
رئیس - آقا آقاسید یعقوب در باید
 حرف در یاد می میشود
آقاسید یعقوب - عرض بنده راجع
 به لفظ باید بود که درست شد
رئیس - رای می گیریم بماده چهاردهم
 با اضافه لفظ باید بعد از رتبه آقایانی که
 تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 ماده یازدهم
 (بشرح آتی قرائت شد)
 ماده ۱۵ کمیسیون ترفیع رتبه
 مرکب است از رئیس اول دیوان عالی
 تمیز و مدعی العموم و رئیس شعبه دیوان
 مزبور و دوفرد عضو دیگر که یکی از
 آنها را وزیر عدلیه دیگری را هیئت عمومی
 دیوان عالی تمیز معین می نماید .
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده خواستم از
 آقای مخبر یا از آقای معاون سؤال کنم
 اینکه در این ماده نوشته شده و دو نفر
 عضو دیگر که یکی از آنها را وزیر عدلیه
 و دیگری را هیئت عمومی دیوان عالی تمیز
 معین می نماید مسلم است آن عضو هم باید از
 اعضاء عدلیه باشد و آیا هیئت عمومی تمیز
 مختار است از هر رتبه از مراتب از قبیل
 ابتدائی و استیناف و تمیز در هر مرتبه که
 می خواهد انتخاب میکند اینجا مقصود
 کمیسیون بوده خوب است شرح بدهند
مخبر - مقصود کمیسیون بطور
 مطلق بود و غرض این بود هر کس را که
 لایق بدانند انتخاب کنند

رئیس - آقای نصرت الدوله
 (اجازه)
نصرت الدوله - بنده موافقم و
 جواب آقای آقا سید یعقوب را هم آقای
 مخبر دادند ولی چون نشنیدم عرض میکنم
 که در اینجا نظر اطلاق است و نظر
 سال یکی از مشاغل قضائی بلا متصدی
 گردد شغل مزبور بکسی داده میشود
 که مطابق دفتر ترفیع لیاقت آن شغل را
 دارا باشد .
 و اگر شغل مذکور فوق رتبه اول
 نفاذ و صاحبان یاری که باشد وزارت
 عدلیه با رعایت مقررات این قانون متصدی
 آن شغل را معین خواهند نمود
رئیس - در این ماده اعتراضی
 نیست ؟
 (گفتند خیر)
رئیس - رای میگیریم بماده ۱۸
 آقایانی که تصویب میکنند قیام
 فرمایند .
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۱۹
 (بظریق ذیل خوانده شد)
 ماده ۱۹ قضات و صاحبان یاری که
 بواسطه حذف مشاغل بیکار شوند منتظر
 خدمت محسوب و تا زمانی که مجدداً متصدی
 شغل قضائاتی نشده اند از مرتبه اول تا مرتبه
 پنجم دولت و از مرتبه ششم بالا نصف آخرین
 مقرری خود را دریافت خواهند کرد و اوقات
 انتظار خدمت در جزء مدت تصدی محسوب
 و در موقع ترفیع و تقاعد منظور خواهد شد
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده میخواستم در
 این ماده آقای معاون توضیح بدهند اگر
 خلاف مشاغل بواسطه کمی بود چه است آن
 وقت این مقدار حقوق را برای آنها معین
 کردن چه صیغه است مگر آنکه نظریه دیگری
 در کار باشد خوب است آقای معاون توضیح
 بدهند .
معاون وزارت عدلیه در اینجا نمی
 شود پیش بینی کرد که حذف مشاغل چه
 نظر است بدیهی است اگر بواسطه تقلیل
 بود چه باشد باز هم در اینجا نصف یا نالت حقوق
 میشود و یک کمکی بیود چه است
رئیس - رای میگیریم بماده ۱۹ آقایانی
 که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۱۷
 (باین ترتیب قرائت شد)
 ماده ۱۷ - کمیسیون ترفیع باید
 بدوسه اشخاصی که برای ترفیع پیشنهاد
 شده اند مراجعه نموده و در صورتی که
 پیشنهاد های ترفیع موافق مقررات قانونی
 باشد اسامی اشخاص پیشنهاد شده را در
 دفتر ترفیع ثبت خواهد کرد
 کمیسیون مزبور باید در مورد اشخاص
 که از یکمرتبه برتبه مافوق آن حق ترفیع
 را پیدا می کنند تقدم و تاخر آنها را نیز
 قید کند
رئیس - مخالفی ندارد
 (اظهاری نشد)
رئیس - رای میگیریم بماده ۱۷

آقایانی که تصویب می کنند قیام
 فرمایند .
 (جمعی برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 (ماده ۱۸ مضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۱۸ - در صورتی که در ظرف
 سال یکی از مشاغل قضائی بلا متصدی
 گردد شغل مزبور بکسی داده میشود
 که مطابق دفتر ترفیع لیاقت آن شغل را
 دارا باشد .
 و اگر شغل مذکور فوق رتبه اول
 نفاذ و صاحبان یاری که باشد وزارت
 عدلیه با رعایت مقررات این قانون متصدی
 آن شغل را معین خواهند نمود
رئیس - در این ماده اعتراضی
 نیست ؟
 (گفتند خیر)
رئیس - رای میگیریم بماده ۱۸
 آقایانی که تصویب میکنند قیام
 فرمایند .
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۱۹
 (بظریق ذیل خوانده شد)
 ماده ۱۹ قضات و صاحبان یاری که
 بواسطه حذف مشاغل بیکار شوند منتظر
 خدمت محسوب و تا زمانی که مجدداً متصدی
 شغل قضائاتی نشده اند از مرتبه اول تا مرتبه
 پنجم دولت و از مرتبه ششم بالا نصف آخرین
 مقرری خود را دریافت خواهند کرد و اوقات
 انتظار خدمت در جزء مدت تصدی محسوب
 و در موقع ترفیع و تقاعد منظور خواهد شد
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده میخواستم در
 این ماده آقای معاون توضیح بدهند اگر
 خلاف مشاغل بواسطه کمی بود چه است آن
 وقت این مقدار حقوق را برای آنها معین
 کردن چه صیغه است مگر آنکه نظریه دیگری
 در کار باشد خوب است آقای معاون توضیح
 بدهند .
معاون وزارت عدلیه در اینجا نمی
 شود پیش بینی کرد که حذف مشاغل چه
 نظر است بدیهی است اگر بواسطه تقلیل
 بود چه باشد باز هم در اینجا نصف یا نالت حقوق
 میشود و یک کمکی بیود چه است
رئیس - رای میگیریم بماده ۱۹ آقایانی
 که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۱۷
 (باین ترتیب قرائت شد)
 ماده ۱۷ - کمیسیون ترفیع باید
 بدوسه اشخاصی که برای ترفیع پیشنهاد
 شده اند مراجعه نموده و در صورتی که
 پیشنهاد های ترفیع موافق مقررات قانونی
 باشد اسامی اشخاص پیشنهاد شده را در
 دفتر ترفیع ثبت خواهد کرد
 کمیسیون مزبور باید در مورد اشخاص
 که از یکمرتبه برتبه مافوق آن حق ترفیع
 را پیدا می کنند تقدم و تاخر آنها را نیز
 قید کند
رئیس - مخالفی ندارد
 (اظهاری نشد)
رئیس - رای میگیریم بماده ۱۷

رئیس - تصویب شد ماده ۲۱ قرائت
 میشود
 (باین ترتیب قرائت شد)
 ماده ۲۱ - برای رسیدگی بتقصیرات
 اداری (انتظامی) قضات و صاحبان یاری که
 محکمه تشکیل میشود محکمه مزبور مرکب
 است از هیئت شعبه اولی محکمه استیناف
 طهران و ۳ نفر از قضات یا بستگ که از میان
 کلیه قضات مظنون بطریقه قرعه معین میشود
 قرعه مزبوره توسط رئیس اول محکمه
 استیناف و در جلسه علنی محکمه مزبور بعمل
 خواهد آمد .
رئیس مخالفی نیست
 (گفتند خیر)
رئیس - رای میگیریم بماده ۲۱ آقایانی
 که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۲۲
 (باین نهج قرائت شد)
 ماده بیست و دوم احکام صادره از محکمه
 مزبوره در ماده بیل مجازات درجه سوم قطعی
 و از درجه چهارم بیالارامکن است در ظرف
 یکماه از تاریخ صدور حکم قضائی محکوم
 و یا وزیر عدلیه تجدید نظر بخواهند
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده خواستم از
 آقای معاون یا آقای مخبر سؤال کنم اگر
 این حق برای محکوم ثابت است دیگر
 کلمه ممکن است معنی ندارد و در واقع می
 خواهد این جا ثابت کند که مجازات تا
 درجه سوم حکمش قطعی است و اگر از
 درجه چهارم بالا واقع شد میتواند تجدید
 نظر کند اگر حق استینافی باو داده میشود
 دیگر کلمه ممکن معنی ندارد ما باید در
 قانون بنویسیم که حق استینافی دارد یا نه
 باینجهت بنده بالفظ ممکن مخالفم
معاون وزارت عدلیه - مخصوصاً
 این لفظ ممکن خیلی لازم است زیرا اگر
 نباشد مجبور است استیناف بدهد در صورت
 نوشتن ممکن است استیناف بدهد ممکن
 است نه شد
رئیس - آقای نصرت الدوله
 (اجازه)
نصرت الدوله - بنده موافقم و در
 جواب آقاسید یعقوب عرض میکنم که اگر
 کلمه ممکن است را مربوط کند بلفظ یکماه
 آنوقت خواهند دید لازم است نوشته شود
 زیرا اگر یک ماه گذشت دیگر ممکن
 نخواهد بود
رئیس آقای فتح الدوله
 (اجازه)
فتح الدوله در این ماده نوشته شده
 از تاریخ صدور حکم قضائی محکوم می تواند
 تمیز بدهد بنده عبارت صدور حکم را خوب
 نمی دانم و باید نوشته شود از تاریخ ابلاغ
 (جمعی برخاستند)

حکم بمحکوم علیه تا یک ماه دیگر حق داشته
 باشد تمیز بدهد زیرا ممکن است حکم
 صادر شود ولی بطرف فوری ابلاغ نشود از
 اینجهت خوب است نوشته شود از تاریخ
 ابلاغ حکم بمحکوم علیه تا یکماه حق تمیز
 دارد
مخبر - قید ابلاغ صحیح است
 ولی یک قید دیگر هم میخواهد و آن این
 است که لفظ قضائی را حذف کرده و بجای
 او مصدوم علیه بگذاریم چون ممکن است
 محکوم علیه قاضی نباشد و مدعی العموم
 باشد .
رئیس آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)
حاج شیخ اسدالله عرضی ندارم
رئیس آقای مستشار السلطنه
 (اجازه)
مستشار السلطنه - موافقم
رئیس - رای میگیریم بماده ۲۲ با
 اصلاحی که آقای مخبر کردند آقایانی که
 تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۲۳ قرائت
 میشود .
 (بترتیب ذیل قرائت شد)
 ماده ۲۳ تجدید نظر در هیئت عمومی
 دیوان تمیز بعمل می آید و حکم صادره از هیئت
 مزبوره قطعی و حتمی الاجرا است هیئت
 قضائی خواهد بود
مخبر - این لفظ صادره غلط است و
 باید کلمه صادر نوشته شود
رئیس - دیگر مخالفی نیست
 (گفتند خیر)
رئیس آقایانی که ماده ۲۳ را تصویب
 میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۲۴
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 ماده ۲۴ انجام وظایف نمایندگان دولت
 برای تعقیب قضات در محکمه مذکور در
 ماده ۲۱ بمعد مدعی العموم استیناف خواهد
 بود و از اموظایف مزبوره مجلس عالی قضائی
 بمعد مدعی العموم دیوان تمیز است
معاون وزارت عدلیه کلیه قضات
 را باید برداشت و مدعی علیه گذشت
رئیس رای میگیریم بماده ۲۴ با
 اصلاح آقای معاون
آقاسید فاضل اگر منظورتان نوشته
 شده بهتر از این است که مدعی علیه نوشته شود
معاون وزارت عدلیه چون مجا که
 اداری است کلمه منظورتان هم بد نیست
 قبول میکنم
رئیس مجدداً قرائت میشود
 (تا این ماده ۲۵ با تبدیل لفظ قضات
 بمنظورین قرائت)
رئیس رای میگیریم بماده ۲۴ آقایانی
 قیام فرمایند

که ماده ۲۴ را تصویب میکنند قیام
 فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس تصویب شد ماده ۲۵
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۲۵ مستشاران دیوان عالی تمیز و
 قضائی که با مستشاران مزبوره درجه یا
 بالاتر هستند در مجلس عالی قضائی تعقیب و
 حکم مجلس مزبوره قطعی خواهد بود
رئیس کسی ایرادی ندارد ؟
 (گفتند خیر)
رئیس رای میگیریم بماده ۲۵ آقایانی
 که تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اکثر نمایندگان قیام کردند)
رئیس تصویب شد ماده ۲۶
 (باین مضمون خوانده شد)
 ماده ۲۶ شعبه اول محکمه استیناف
 ولایات میتواند قضات حوزه خود را در مورد
 تقصیراتی که مستلزم مجازات تا درجه
 سوم باشد بنا بتقاضای مدعی العموم استیناف
 معاکمه نماید
رئیس مخالفی نیست
 (اظهاری نشد)
رئیس - رای میگیریم بماده ۲۶
 آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس تصویب شد ماده ۲۷
 (باین نهج قرائت شد)
 ماده ۲۷ - اگر در ضمن رسیدگی
 مقدماتی بشکایات متظلمین از قضاة عدلیه
 علت صحیحی برای معاکمه اداری
 کشف شود معاکمه مزبور را نمیتوان
 موقوف نمود و لو آنکه متظلم شکایت خود
 رایس بگیرد و باقاضی متشکی عنه از شغل
 خود استعفا دهد
سهام السلطان - اینجا هم باید کلمه
 قضائی اصلاح شود
رئیس - رای میگیریم بماده ۲۷ با
 این اصلاح آقایانی که تصویب می کنند
 قیام فرمایند
 (جمعی قیام نمودند)
رئیس تصویب شد ماده ۲۸
 (بشرح آتی قرائت شد)
 ماده ۲۸ محکمه رسیدگی انتظامی
 یا مجلس عالی قضائی بعد از تحصیل اطلاعات
 و خواستن توضیح جمع آوری اسناد و اوراق
 لازمه شروع برسیدگی مینماید
رئیس مخالفی نیست
 (اظهاری نشد خیر)
رئیس - رای میگیریم
 بماده ۲۸ آقایانی که تصویب میکنند
 قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس تصویب شد ماده ۲۹
 (بمضمون آتی قرائت شد)

رئیس - تصویب شد .

مجموعه معارف و گارد شهری میباید برای روز دیگر .

آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - در موضوع دستور خواستم عرض کنم ۳ چهار فقره لوابیح کوچک است که راجع بسال گذشته و خیلی مختصر است خوبست جزء دستور فردا معین شده و فوری رای گرفته شود و يك عده اشخاص راحت شده و كمسیون هم از فشار خلاص گردد .

رئیس - ۴ فقره کدام است ؟

نصرت الدوله - درست نظرم نیست ولی اگر اجازه بفرمائید ممکن است فوراً بكمسیون رفته و صورت آن هارا بیاورم ولی گویایان طور باشد . لایحه مجموعه معارف . حقوق شاهزاده یمن الدوله و یکی ۲ فقره لوابیح کوچک از قبیل ولدان سید محمد تقی و غیره است .

رئیس - رأی میگیریم ولی عده برای گرفتن رای کافی نیست بایستی یک نفر دیگر از بیرون بیاید .

(در این موقع عده برای رای گرفتن کافی شد)

رئیس (آقایی که تصویب میکنند حقوق سالار محترم و یمن الدوله و مجموعه معارف و ورثه سید محمد تقی و غیره جزو دستور شود قیام کنند .

(اکثر قیام نمودند)

تصویب شد .

آقای کازرونی .

(اجازه)

کازرونی - بنده سؤالی دارم اگر اجازه میفرمائید عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

کازرونی - سؤال بنده راجع به جزائر خلیج فارس مخصوصاً راجع بجزیره ابوموسی و بحرین است .

البته آقایان همه بهتر از بنده میدانند که خلیج فارس بمنزل روح ایران است و حفاظت و صیانت آن بر همه چیز مقدم است و بر ماست که با قدرت تمام جزائر و بنادر خلیج فارس را محفوظ نگاهداریم و اگر نخواهیم بی اعتنائی و لاقیدی بگذرانیم دچار اشکال خواهیم شد بطوریکه بنده شنیده ام کمیانی استریک در جزیره ابوموسی مشغول استخراج معدن گل سرخ شده است در صورتی که نمایانم اولا امتیازی از دولت دارد یا ندارد .

ثانیاً بچه اجازه این تصرف را نموده است؟ و آیا برای مداخله نمودن در خانه ما هیچ اجازه از صاحبخانه دارد یا نه؟ ما که امتیاز گل سرخ را بجای معین داده ایم و دولت هم بطور تساوی با او شریک است و اگر بنا باشد کس دیگری استخراج گل سرخ در این جزائر بنماید قطع نظر از اینکه تصرف در خانه بدون اجازه صاحبخانه

بر خلاف حقانیت است يك متبع ثروتی هم از دست مامیرد .

اما راجع بجزیره بحرین جهت اینکه تا این مدت سؤال نمیکردم در صدد بودم اسناد مثبت و مدارک لازمه تحصیل کنم و بینم وضعیت این جزیره چگونه است و بالاخره حالا عرض میکنم در اثر اسنادی که موجود است جزیره بحرین ملك مسلم دولت ایران است و هیچکس حق مزاحمتی نسبت باین جزیره نخواهد داشت اگر چه بنده دلایل و مدارک زیاد بدست آورده ام ولی محض اطلاع آقایان یکی از کوچکترین مدارک را بعرض آقایان میرسانم .

دره ۴ سال قبل در سر این جزیره مشاجره فیما بین دولت ایران و عثمانی واقع شد که عثمانی ها ادعای موهومی مینمودند بالاخره کار به حکمت منجر و در برلن مجمعی از نمایندگان دول فرانسه و انگلیس هم در آنجا حضور داشتند تشکیل و در این موضوع دقت شد بالاخره مجمع رأی داد که جزیره بحرین متعلق بایران است منتهی دولت انگلیس اظهار کرد مادام که دولت ایران چهار کشتی در خلیج فارس ندارد من حفاظت جزیره مزبور را عهده دار میشوم .

حالا ما از چهار کشتی بیشتر بلکه پنج شش کشتی داریم و محتاج بحفاظت دیگران نیست

بنده خواستم از هیئت دولت سؤال کنم آیا راجع بجزیره بحرین یعنی جزیره گوهر چه اقدامی کرده اند؟

معاون وزارت داخله - ممکن

است جواب نماینده محترم را بعد عرض کنم بعلاوه يك قسمت از آنهم مربوط بوزارت داخله نیست .

دیگر اینکه بنده شنیدم در جلسه قبل یکی از نمایندگان راجع باعلان انتخابات فرمایشی کردند گویا سوء تفاهمی شده اگر مجلس مقتضی بداند توضیحات عرض کنم رئیس - اگر راجع بتسریع انتخابات است بفرمائید بهتر است

معاون وزارت داخله - بنده

خیلی تشکر میکنم از اینکه بعضی از آقایان نمایندگان محترم در این باب فرمایشاتی کردند و حسن علاقهمندی خودشان را سرعت انتخابات نشان دادند و البته نشان دادند و البته همانطور که آقایان بسرعت و حسن جریان انتخابات علاقهمند هستند گمان میکنم هیئت دولت هم علاقهمند باشد و تصور میکنم که تأخیر و تسامحی در جریان انتخابات نشده است و با اینکه دولت دوچار تعطیلات پی در پی عید شده با اینحال با کمال فوریت اعلان انتخابات را حاضر کرده و انتشار داد و آنچه شنیده ام یکی از نظریات آقایان این بوده است که چرا انجمن نظارت همان روزیکه اعلان منتشر شد همان روز تشکیل شود اما تصدیق میفرمائید که حکومت باید در تشکیل انجمن يك نظریاتی بنماید و يك اشخاص صحیحی را انتخاب کند و شاید در

این ضمن هم يك عده حاضر نشوند و وزارت داخله مجبور شود يك عده دیگر را انتخاب کند و البته این پنج شش روز زیاد نبوده است و هم چنین در ولایات هم آن فاصله را که قرار دادند برای همان بود که يك مطالعاتی در انتخاب انجمن نظار بشود و يك اشخاص صحیحی که صلاحیت نظارت را داشته باشند انتخاب کند بعلاوه شاید وسایل مالی انتخابات هم فراهم نبوده است و يك ملاحظاتی شده است که این وسایل فراهم شود و حکومت هر محلی بتواند بطوریکه قانون معین کرده است هیئت نظار را معین کند و گمان نمیکند اینها چیز هائی باشد که مورد اشکال باشد

آقا سید یعقوب - دستور العمل چیست ؟

معاون وزارت داخله - دستور -

العمل يك چیز فوق العاده نیست جز اینکه در ولایات آنطوریکه باید و شاید هنوز نص قانون را ملتفت نشده اند وزارت داخله هم دستورات و تأکیدی بحکام میدهد که مواظب حسن جریان انتخابات بوده از تهدید و تطمیع جلوگیری کند بعلاوه برای مخارج انتخابات تعلیمات میدهند که مخارج انتخابات را از کجا بگیرند

اینها يك چیز هائی است که دستور العمل میدهند و برای اطمینان خاطر آقایان ممکن است وزارت داخله عین دستور العمل را بنظر آقایان برساند

رئیس - در جلسه گذشته بنده اینجا نبودم ولی شنیدم بعضی از آقایان نسبت به تأخیر امر انتخابات ایراداتی کردند و آن ایرادات بنظر بنده خیلی صحیح و بجا بود این بود که با آقای ادیب السلطنه اطلاع دارم تشریف آوردند و بایشان عرض کردم این اعلانی که از طرف وزارت داخله منتشر شده برخلاف قانون است بمجرد اینکه موقع انتخابات میرسد باید وزارت داخله بتمام حکام تلگراف کند که از فردا باید مطابق فلان ماده قانون که در سی چهل روز قبل از عید برای شما فرستاده شده است رفتار کنند و ایشان وعده دادند که بهیئت رفته مذاکراتی بنمایند و این امر را اصلاح کنند وقتی هم که میخواستند اینجا این اظهارات را بفرمایند من تصور کردم برای رفع این سوء تفاهم است معلوم میشود این اعلانی که از طرف وزارت داخله شده و برخلاف قانون است هیئت دولت آنرا بسر خلاف قانون ندانسته است .

فعلا چون عده برای مذاکرات کافی نیست و این امر در خود مجلس باید مذاکره بشود فردا در اول جلسه مطرح میشود (مجلس تقریباً دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك